

حکمرانی
مقدمه‌ای بسیار کوتاه

حکمرانی

مقدمه‌ای بسیار کوتاه

مارک بور

ترجمه

عرفان مصلح

زهره کریم‌میان



نشرکردن

فهرست

۱	یادداشت مترجمان
۹	حکمرانی چیست؟
۲۷	حکمرانی سازمانی
۵۱	حکمرانی شرکتی
۷۵	حکمرانی عمومی
۱۰۱	حکمرانی جهانی
۱۲۵	حکمرانی شایسته
۱۴۷	منابع
۱۵۱	واژه‌نامه

یادداشت مترجمان

کتاب حاضر با عنوان *Governance: A Very Short Introduction* نوشته پروفیسور مارک بور^۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه برکلی کالیفرنیا، است. بور مؤلف ده‌ها کتاب و مقاله پراستناد است که به‌طور عمده در حوزه حکمرانی نوشته شده‌اند. کتاب پیش رو پس از نگارش کتاب‌هایی از جمله *Governance Stories, Key Concepts in Governance, Interpreting British Governance, Democratic Governance* و در سال ۲۰۱۲ در قالب مجموعه کتاب‌های پرفروش *Very Short Introductions* انتشارات آکسفورد به رشته تحریر درآمده است.^۲

نویسنده در این کتاب با بیانی ساده مفهوم گسترده حکمرانی را در شش فصل توضیح می‌دهد. بیان کتاب چنان است که آن را به یکی از بهترین کتاب‌ها در حوزه حکمرانی، برای کسانی که با این مفهوم آشنا نیستند، تبدیل کرده است. ساختار کتاب مبتنی بر حکمرانی در سطوح مختلف سامان‌دهی شده است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

فصل اول با عنوان «حکمرانی چیست؟» به تبیین مفهوم حکمرانی در

1. Mark Bevir

۲. این مجموعه فروشی بیش از پنج میلیون نسخه در سرتاسر دنیا داشته است.

قالب تعریف آن، بیان تاریخچه این مفهوم و بسترها و دلایل گسترش کاربرد آن می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «حکمرانی سازمانی» با برقراری ارتباط میان مفهوم حکمرانی و نظریه‌های مدرن سازمانی آغاز و در طول فصل، مفاهیمی از جمله سلسله‌مراتب‌ها، بازارها و شبکه‌ها تبیین می‌شود. فصل سوم «حکمرانی شرکتی» است که در آن مفهوم حکمرانی در سطوح شرکتی مطرح می‌شود. در فصل چهارم، «حکمرانی عمومی»، از حکمرانی در فضای عمومی و در قیاس با مدیریت عمومی بحث می‌شود. در فصل پنجم تمرکز بر مفهوم «حکمرانی جهانی» است، اینکه چرا حکمرانی در سطوح جهانی اهمیت دارد و چگونه این حکمرانی می‌تواند به حل مسائل جهانی کمک کند. در فصل پایانی نیز نویسنده به اختصار درباره «حکمرانی شایسته» توضیح می‌دهد. نویسنده در هر فصل سعی می‌کند با بیان داستانی واقعی^۱ به نحوی ملموس‌تر مفاهیم را منتقل کند.

نکاتی درباره ترجمه کتاب

شاید در ذهن بسیاری ترجمه کتاب، در مقایسه با نگارش کتاب و مقاله، امری سهل به نظر آید، اما کسانی که تجربه‌ای در این حوزه دارند اعتراف می‌کنند که برگردان کتابی از زبانی دیگر به فارسی گاه حتی از نگارش آن دشوارتر است. از یک سو، برگرداندن مفاهیم همراه با امانت‌داری وقت زیادی می‌طلبد، به نحوی که گاه برای برگردان مفهومی به صرف ساعت‌ها وقت نیاز است. اما از سوی دیگر، ترجمه کتاب به زبان فارسی به‌ویژه در این حوزه مطالعاتی دشواری مضاعفی دارد. زبان فارسی محدودیت‌هایی دارد که برای اهل فن مشخص است و پایبندی به آن ظرافت‌هایی بسیار می‌طلبد. متأسفانه در میان دانشگاهیان توجه به حفظ و پاسداشت زبان فارسی کمتر دیده می‌شود و در نتیجه، به جای اهتمام به معادل‌گزینی مناسب

1. cases

برای واژه‌های علمی انگلیسی، در مجامع دانشگاهی داخلی از همان واژه‌ها استفاده می‌شود. از آنجا که از مطالب حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی در سطح کلان راهبری جامعه استفاده می‌شود، مفاهیم و بار معنایی ترجمه آنها می‌تواند در جامعه تأثیراتی مثبت یا منفی داشته باشد^۱ و این امر بر پیچیدگی کار ترجمه می‌افزاید.

مترجمان سعی کرده‌اند، با توجه به موضوعات مطرح‌شده، در ترجمه کتاب حاضر و به‌ویژه در ترجمه مفاهیم کلیدی آن دقت فراوان به خرج دهند و در این مسیر از دیدگاه استادان و همچنین تجربه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده کنند. بدین ترتیب، مراحل زیر در ترجمه این کتاب در دو بخش فرایند ترجمه متن و فرایند واژه‌گزینی طی شده است.

در فرایند ترجمه کتاب، در گام نخست، متن انگلیسی خوانده و سعی شد جملات آن به دقت و به صورت کامل برگردانده شوند. در گام دوم، واژه‌های استخراج‌شده مطابق فرایندی که در ادامه توضیح داده شده است در متن جایگزین شد و در گام سوم، تلاش شد متن با سرعت معمول خوانده شود و عباراتی که ترجمه آنها با دشواری در خواندن و فهم همراه است، با حفظ مفهوم مورد نظر نویسنده، به نحوی اصلاح شود که برای خواننده مفهوم باشد. در فرایند واژه‌گزینی، نخست برابرنهادهای واژه مورد نظر به زبان فارسی در مقالات نگارش‌شده به قلم استادان جمع‌آوری شد. در مرحله بعد، سعی شد به مفهومی که در واژه انگلیسی است توجه و برابرنهادی برای آن پیشنهاد شود. سپس، برابرنهادها به منظور بیان دیدگاه در اختیار استادان قرار گرفت و در مرحله بعد، فهرستی از واژگان برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارسال و دیدگاه کارشناسان فرهنگستان دریافت شد. در پایان، بر اساس سه اصلی که در ادامه خواهد آمد، برابرنهادی برای مفاهیم کلیدی انگلیسی انتخاب شد.

۱. برای نمونه، کافی است به مفهوم development و بحث‌ها درباره تفاوت مفهوم توسعه و پیشرفت توجه شود.

در انتخاب برابرها سعی شد رسایی، زیبایی و روانی واژه در نظر گرفته شود. البته در مواردی، رسایی را بر روانی و زیبایی ترجیح دادیم؛ برای نمونه، واژه «accountability» را به «پاسخ‌گویی» ترجمه کرده‌اند، در حالی که این برابرها معنای اصلی را نمی‌رساند. ما در کتاب از برابرها «حساب‌پس‌دهی» استفاده کرده‌ایم که رساتر، هر چند زیبایی و روانی آن کمتر، است. برای مفاهیم کلیدی استفاده‌شده نیز، هر جا که نیاز بود، از نویسنده کتاب برای درک بهتر کمک گرفتیم. اگر در فارسی برابرهایی رایج بود، سعی کردیم تا حد امکان از برابرهایی دیگر استفاده نکنیم.^۱ هر چند در برخی موارد می‌شد از برابرهایی مناسب‌تر نیز استفاده کرد.

سعی شده است برای هر واژه، در سرتاسر متن، از یک برابرها استفاده شود تا خواننده با هر بار مواجهه با آن به سرعت واژه انگلیسی را به یاد آورد. برای این منظور، در نخستین مرتبه که از برابرهایی استفاده شده واژه انگلیسی آن به صورت پانویس آمده است. در بقیه ترجمه نیز، جز در موارد معدود، از همان برابرها استفاده شده، هر چند در مواردی برای زیبایی متن امکان استفاده از هم‌خانواده‌های برابرها نیز وجود داشته است. به بیان دیگر، سعی کرده‌ایم برای درک بهتر متن، هر واژه انگلیسی را با برابرهایی یکسان در سرتاسر متن بیاوریم. برای نمونه، واژه «agency» را در متن به «کارگزاری» ترجمه و در سرتاسر متن آن را رعایت کرده‌ایم، اگرچه این امکان وجود داشته که برای زیبایی متن، در جملاتی که این واژه چند بار تکرار شده است، از مترادف‌هایی مانند کنشگری و عاملیت نیز استفاده شود. همچنین، در کلماتی که هم به صورت مفرد و هم به صورت مضاف یا مضاف‌الیه استفاده شده‌اند از همان برابرهایی که برای کلمه مفرد استفاده شده برای حالت مضاف و مضاف‌الیه نیز استفاده شده است. برای نمونه، برای واژه «corporate

۱. مگر در مواردی که برابرها رایج مشکلی اساسی داشت.

«governance» معادل «حکمرانی شرکتی» به کار رفته و در جایی که واژه «corporate» آمده نیز به «شرکت» ترجمه شده است، در صورتی که امکان به‌کارگیری برابرنهادهایی دیگر نیز وجود داشته است.

با تمام این تفاسیل، باید گفت دربارهٔ برخی از برابرنهادهای پیشنهادی نظر استادان بسیار متفاوت و گاه متضاد بوده است. بنابراین، برابرنهادهایی که در متن می‌بینید حاصل جمع‌بندی نظرات مترجمان است^۱ که با طی کردن مراحل مختلف و در نظر گرفتن اصول پیش‌گفته انتخاب شده‌اند و بی‌شک خالی از اشکال نیستند.

همان‌طور که اشاره شد در کتاب از مفاهیمی استفاده شده است که دربارهٔ برابرنهاد فارسی آنها دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌کنیم که به نظر می‌رسد به درک بهتر شیوهٔ واژه‌گزینی کمک می‌کند.

واژه‌های «state» و «government»

اینها دو اصطلاح رایج در علوم سیاسی و سیاست‌گذاری‌اند که در گزینش برابرنهاد برای آنها اختلاف نظر وجود دارد. برخی صاحب‌نظران برای «government» برابرنهاد «حکومت» و برای «state» «دولت» را برگزیده‌اند و برخی دیگر برعکس. این اختلاف نظر کاملاً در مرحلهٔ هم‌اندیشی با صاحب‌نظران آشکار بود. فرهنگستان نیز برای «state» چهار معنی مصوب دارد که یک مورد آن معادل «government» است.^۲ البته در زبان انگلیسی نیز این دو واژه به لحاظ مفهومی به هم نزدیک‌اند و نویسندهٔ کتاب نیز این مطلب را در مکاتبه با مترجمان تأیید کرد.^۳ در نهایت، مترجمان پس

۱. منظور این است که در نهایت، مترجمان با دانستن دیدگاه استادان و همچنین فرهنگستان برابرنهادی را که مناسب‌تر دانستند انتخاب کردند و دربارهٔ برابرنهادهای اجماعی وجود ندارد.

۲. برای آشنایی بیشتر می‌توانید به بخش «واژه‌های مصوب» در وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی www.persianacademy.ir/fa/word مراجعه کنید.

۳. این دیدگاه نویسنده در پاسخ به پرسش از تفاوت این دو واژه است: ←



از بررسی و تبادل نظر با صاحب‌نظران برای «government» برابر نهاد «دولت» و برای «state» برابر نهاد «حکومت» را در نظر گرفتند. انتخاب این برابر نهادها بر این اساس بود که در زبان انگلیسی «state» اعم و بزرگ‌تر از «government» است. «government»‌ها موقت و متغیرند و «state»‌ها کم‌وبیش دائم. هیوود در کتاب خود «government» را بخشی از «state» می‌داند. او معتقد است «state» از بخش‌هایی متعدد، از جمله «government»، تشکیل شده است. بنابراین، می‌توان فهمید در زبان انگلیسی «state» معنایی وسیع‌تر و انتزاعی‌تر از «government» دارد. حال برای یافتن برابر نهاد مناسب در زبان فارسی کافی است از بین «حکومت» و «دولت» هر کدام را که معنایی وسیع‌تر و انتزاعی‌تر دارد برای «state» و دیگری را برای «government» در نظر بگیریم. از آنجا که در زبان فارسی حکومت بزرگ‌تر از دولت و اعم از آن است و این موضوع به‌ویژه در گفت‌وگوهای روزمره قابل‌درک است، ما نیز حکومت را برابر نهاد «state» و دولت را برابر نهاد «government» در نظر گرفته‌ایم و این امر را همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در دیگر ترکیب‌ها نیز رعایت کرده‌ایم. برای نمونه، برای واژه «non-governmental» برابر نهاد «غیردولتی» و برای «non-state» برابر نهاد «غیرحکومتی» را در نظر گرفته‌ایم.

واژه‌های «political»، «politics» و «policy»

در ایران، برخی صاحب‌نظران برای واژه «policy» برابر نهاد «خط‌مشی» و برای «politics» و «political» به‌ترتیب «سیاست» و «سیاسی» را (بیشتر در حوزه مدیریت عمومی) پیشنهاد کرده‌اند. برخی دیگر برای «policy» «سیاست» را

“State and government mean more or less the same thing. State is more abstract. Government is more likely to refer to the people or party who rule at a particular time.”

1. Heywood, A. (2004). *Political Theory: An Introduction*. Palgrave Macmillan.

(بیشتر در حوزه سیاستگذاری‌های بخشی، از جمله سیاستگذاری علم و فناوری) به کار می‌برند. با این حال، از نظر مترجمان کتاب، «خطمشی» در زبان فارسی بیشتر نوعی اصول را به ذهن متبادر می‌کند تا تصمیمی راهبردی را، البته تصمیمی در پاسخ به مسائل جامعه که به شدت رنگ و بوی سیاسی نیز بدهد.^۱ همچنین، عموم مردم «خطمشی» را در مقایسه با «سیاست» به راحتی درک نمی‌کنند. برای نمونه، وقتی می‌گوییم «خطمشی‌های کلان ابلاغی مقام معظم رهبری» در مقایسه با زمانی که می‌گوییم «سیاست‌های کلان ابلاغی مقام معظم رهبری» تصور دیگری داریم. بنابراین، «سیاست» واژه‌ای متداول‌تر است. حال این پرسش پیش می‌آید که اگر برای «policy» برابر نهاد «سیاست» را برگزینیم، برای دو واژه دیگر از چه واژه‌ای استفاده کنیم. در این متن، برای «policy» واژه «سیاست» را در نظر گرفته‌ایم. این واژه میان سه واژه گفته شده بسیار پرکاربردتر است و در بسیاری موارد به صورت مضاف یا مضاف‌الیه به کار می‌رود که در این صورت نیز، برابر نهاد را «سیاست/سیاستی» در نظر گرفته‌ایم. برای نمونه، «policy instrument» را «ابزار سیاستی» ترجمه کرده‌ایم. برای «political» از همان واژه جاافتاده «سیاسی» استفاده کرده‌ایم که به خوبی بیانگر مفهوم ذاتی آن، یعنی مبارزه برای قدرت و اعمال آن در جامعه^۲، است. در نهایت، «امور سیاسی/سیاسیات» را برابر نهاد واژه «politics» قرار داده‌ایم.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از آقایان دکتر علی اصغر پورعزت، دکتر کیومرث اشتریان، دکتر حسن دانایی‌فرد، مجید اسدپور، یعقوب سیدرضایی، دکتر امیرحسین خالقی، دکتر سروش قاضی‌نوری و همکاران گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای همراهی و کمک در گزینش برابر نهادها

۱. policy نوعی تصمیم‌گیری برای حل مسئله جامعه، در جهت منافع عمومی و نه فردی، است که بارزترین ویژگی آن سیاسی بودن است.

۲. عبدالرحمن عالم در کتابش بنیادهای علم سیاست این مفهوم را زیر تعریف politics و به عنوان مهم‌ترین تعریف میان متفکران سیاسی غرب ذکر می‌کند.